

نقالی و جایگاه آن در نمایش‌های رادیویی

دکتر مجید شریف‌خدایی^۱

فریده گودرزی^۲

چکیده

گویندگان رادیو و بازیگران نمایش‌های رادیویی در اصل همان نقالان و قصه‌گویان گذشته هستند که از روش‌های دیگری برای بیان خود استفاده می‌برند. اگر در گذشته محل نقل نقال، قهوه‌خانه بود، اکنون محل نقل نقال امروزی، استودیوی رادیویی است که اگر از تکنیک‌های نقل نقالان گذشته بهره‌بردار، بیشتر می‌تواند مخاطب خود را جذب کند.

داستان‌گویی و شنیدن قصه‌های شیرین و آموزنده در طول تاریخ و زندگی بشر، یکی از قدیمی‌ترین تفریحات و روشی معمول برای انتقال تجارب و دانش پیشینیان به نسل‌های جدیدتر بوده است.

نقالان با تکیه بر واژه‌ها، داستان را به شیوه‌ای حکایت می‌کردند که شنونده خود را همراه و هم‌نفس قهرمان داستان می‌پنداشت.

کلیدواژه‌ها: نقالی، قصه‌گویی، رادیو، قصه‌گویی رادیویی، نقالی رادیویی

۱. دکترای تاریخ از دانشگاه تهران، عضو هیئت علمی دانشگاه صداوسیما

majidsharifkhodaei@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی رادیو، تهیه‌کننده و سردبیر برنامه‌های رادیویی شبکه فرهنگ

farideh.goudarzi@gmail.com

مقدمه

نقالی و روایت، هنری نمایشی - دیداری به شمار می‌رود که کمتر در رسانه شنیداری به آن پرداخته شده است. البته برخی از انواع نقالی‌ها، تصویری نیستند؛ مانند نقل با استفاده از متون مکتوب مثل شاهنامه‌خوانی یا نقل موسیقایی مثل عاشیق‌های آذری. منظور از نقل نمایشی در این مقاله نقلی از نوع نقل‌های «مرشد ترابی» است. با این اوصاف آیا رادیو به عنوان رسانه‌ای تخیل‌زا که با متن و موسیقی و سکوت سروکار دارد، می‌تواند به زنده نگه‌داشتن این هنر کمک کند؟ ظرفیت‌های اجرایی این هنر در رادیو چگونه می‌تواند در برنامه‌سازی خلاق رادیو بروز پیدا کند؟

در این مقاله ابتدا تعریفی از رادیو و نقالی و ویژگی‌های آنها ارائه و انواع نقالی به اختصار برشمرده خواهد شد، سپس ارتباط نقالی با رادیو از دید صاحب‌نظران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

رادیو و تلویزیون، هر دو دارای ویژگی‌هایی هستند که خاص این دو رسانه است و نه با سینما و نه با مطبوعات هیچ وجه اشتراکی ندارد و همین ویژگی‌ها این دو رسانه را به هم نزدیک ساخته و آنها را به صورت کامل‌ترین وسایل ارتباطی درآورده است.

برنامه‌های رادیویی از سه عنصر کلام، موسیقی و صدای پیرامونی پدید می‌آیند و نیروی بیانی و ارتباطی خاصی را تشکیل می‌دهند که از بیان مکتوب مطبوعاتی و بیان تصویری سینمایی یا تلویزیونی متمایز است.

عنصر صوتی رادیو نیز مانند کلام انسان و موسیقی، در بیان رادیویی نقشی حساس به عهده دارد و در صورتی که این عنصر با عنصر تصویری سینما و تلویزیون مقایسه شود، اهمیت آن آشکارتر می‌شود. تصویر سینمایی یا تلویزیونی معرف اشیا یا اشخاص است و وجود آنها را به ما نشان می‌دهد، در صورتی که صدا فقط حرکت اشیا و فعالیت افراد را به ما معرفی می‌کند.

نقالی و جایگاه آن در نمایش‌های رادیویی ❖ ۱۸۳

با وجود این، عنصر صوت برای بیان رادیویی کافی نیست، زیرا بسیاری از اشیا صامت هستند و نمی‌توان برای معرفی آنها از پخش صدا کمک گرفت. علاوه بر این، در بسیاری از موارد یک صدای واحد می‌تواند معرف اشیا یا حرکات مختلف باشد که در این صورت استفاده از آن تردید و ابهام پدید می‌آورد. بنابراین، باید در بسیاری از موارد این عنصر با دو عنصر کلام و موسیقی ترکیب شود تا با توازن آنها، ارتباط فکری و معنوی کامل برقرار شود. رادیو، همچنین قدرت تخیل را برمی‌انگیزد؛ چون شنونده را وامی‌دارد تا برداشت بصری خود را به کاراندازد. همچنین می‌تواند مخاطبان وسیعی داشته باشد؛ یا از راه پخش واحد یا به صورت متوالی و از طریق تکرار پخش، سطح وسیعی از مخاطبان را جذب کند و بالاخره رادیو وسیله سرگرمی است، در حالی که تلویزیون رسانه‌ای دیداری است که در آن امکان استفاده از شیوه تولیدی خلاقه و هم‌بستگی کامل با سایر وسایل کمک آموزشی بصری وجود دارد. (حنیف، ۱۳۸۴: ۹۸)

معنا و انواع نقالی

نقالی عبارت است از نقل یک واقعه یا قصه، به شعر یا به نثر، با حرکات و حالات مناسب و بیان آن در برابر جمع (بیضایی، ۱۳۷۹: ۶۵). از نظر واژگانی باید گفت، نقال واژه‌ای عربی است که در فرهنگ معاصر عربی - فارسی، معانی زیر برای آن ذکر شده است: بسیار نقل‌کننده، جابه‌جا کننده، قابل حمل، منقول، حمل‌شدنی، اسب تیزرو. اما در زبان فارسی، معانی دیگری نیز دارد و اتفاقاً امروزه همین معانی مورد توجه فارسی‌زبانان است. در لغت‌نامه دهخدا، درباره نقال علاوه بر معانی عربی آن چنین آمده است: افسانه‌گو، قصه‌خوان، کسی که قصه و حکایت بیان می‌کند، قصه‌گوی، آنکه نقل گوید، افسانه‌سرای،

سمرگوی که در قهوه‌خانه‌ها و مجامعی از این قبیل، داستان‌های حماسی و سرگذشت پهلوانان و عیاران را با آهنگی خاص نقل می‌کند.

نقالی در لغت به معنای کار و پیشه نقال است که کالا یا چیزی را از جایی به جای دیگر انتقال می‌دهد. اما در اصطلاح، به پیشه و هنر کسی گویند که داستان‌ها و وقایع هیجان‌انگیز و جذابی را که شنیده یا خوانده است، برای سرگرم کردن مردم بیان کند. این داستان‌گزار و قصه‌گوی هنرمند را در اصطلاح نقال می‌گویند. (بلوکباشی، ۱۳۷۵: ۸۸)

۱. شاهنامه‌خوانی

یکی از انواع نقالی‌ها، خواندن یا روایت داستان‌های شاهنامه بوده است که هنوز هم این سنت ادامه دارد و کمابیش نقالان شاهنامه‌خوان داستان‌هایی نظیر رستم و سهراب، رستم و اسفندیار و... را در قهوه‌خانه‌ها می‌خوانند. بیضایی به

نقل از «سیاحت‌نامه»
شاردن به
شاهنامه‌خوانی ایرانیان
اشاره می‌کند: «در
مشرق‌زمین اوقات
مهمانان به قرائت
کتاب یا شنیدن و نقل



حکایت و شعر و به شنیدن آوای دلنشین و رسای شاهنامه‌خوانان که کارهای پادشاهان باستانی ایران را طی داستان‌های منظوم ترنم می‌کنند، می‌گذرد.»

(بیضایی، ۱۳۷۹: ۷۲)

۲. غزل‌خوانی

غزل‌خوانی از جمله هنرهای آوایی و یکی از زیباترین جلوه‌های آیینی در گستره فرهنگ سنتی یا سنت‌های روایی (نقّالی) ایران است که همواره در قالب روایی یا روایت فنون نظم به صورت آواز و کلام‌خوانی اجرا و خوانده می‌شد. در این هنر آوایی، گوینده (نقّال) توانا و خوش‌لحن و صدا، همانند نقّادی ژرف‌نگر، به نمایندگی از سوی نیازها و خواسته‌های مردم و با بهره گرفتن از اشعاری متین و عرفانی هشدارهای اخلاقی پیام خود را همراه و همگام با آموزه‌های دینی و ملی عرضه می‌کرد. خاستگاه این هنر، قهوه‌خانه‌ها بود و به غزل‌خوانان، مطلب‌خوان گفته می‌شد. (عاشورپور، ۱۳۸۹: ۳۵۵)

۳. مَخْتَه

مخته را باید نوعی رشادت‌نامه‌خوانی بنامیم، چرا که مخته نوعی آیین سوگواری در میان طوایف هزاره است. این نمایش، نمایشی روایی، مرکب از شعر، موسیقی و کلام است. این نمایش مانند انواع دیگر نقّالی در ایران اجرایی تک‌نفره دارد و درونمایه آن نیز حماسی و تراژیک است. (همان: ۳۵۹)

۴. نقل عاشیق‌ها

نقل عاشیق‌ها نوعی نقل موسیقایی و آوازی ترکی است. عاشیق‌ها از عوامل عمده آفرینش، حفظ و اشاعه ادبیات شفاهی آذربایجان هستند. آنها علاوه بر خواندن و نواختن اشعار، آهنگ‌ها و تعریف و اجرای داستان‌های عاشقانه و پهلوانی بازمانده از گذشته‌ها، خود نیز شاعرند و شعر می‌سرایند، آهنگ می‌سازند و داستان‌پردازی می‌کنند. (همان: ۴۱۷)

۵. مناقب خوانی

واعظ کاشفی، مناقب خوان را مداح خوانده و آنها را به چهار گروه تقسیم کرده است:

«الف) مداحانی که مدح حضرت رسول ﷺ و اهل بیت علیهم السلام ایشان را از

قوت طبع خود انشاد می کردند و روایات و حکایات و مراتب ایشان را به نظم می کشیدند.

ب) گروهی که منظومات بزرگان را



می خوانند و سخنانی را که دیگران به نظم کشیده اند، ادا می کنند و این طایفه را راویان می گویند.

ج) گروه دیگری که با وجود مداحی، کار دیگری هم می کنند؛ مثل سقایان.
د) جمعی که ابیاتی پراکنده یاد می گیرند و در خانه ها می خوانند و قصیده ای به نان می فروشند و مدح آل محمد ﷺ را وسیله گدایی خویش می سازند.» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۲۸۲-۲۸۱)

۶. فضایل خوانی

نقطه مقابل مناقب خوانی، فضایل خوانی بود. فضایل خوانان، افرادی بودند که اهل سنت ایشان را در مقابل شیعیان تربیت کرده بودند آنها در بازار، فضایل ابوبکر و عمر، دشنام های رافضیان و ذکر اصول جبر و تشبیه و امثال آنها را به شعر می خواندند و در این کار از شیعیان پیروی کرده و از این طریق می خواستند اثر تبلیغات ایشان را ضعیف کنند. (بیضایی، ۱۳۷۹: ۷۰)

نقالی و جایگاه آن در نمایش‌های رادیویی ❖ ۱۸۷

۷. حمله خوانی

حمله خوانی عبارت بود از نقل قسمت‌ها یا وقایع مختلفی از کتاب «حمله حیدری» که میرزا محمدرفیع باذل (قرن یازدهم و دوازدهم ه.ق) شاعر ایرانی مهاجر به هند آن را تصنیف کرده است. این کتاب که بر اثر مرگ نویسنده ناتمام ماند، در ۱۱۳۵ ه.ق از سوی میرزا ابوالقاسم میرفندرسکی به پایان رسید. موضوع حمله حیدری عبارت بود از زندگی پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام و جنگ‌های ایشان تا ضربت خوردن و پایان گرفتن زندگی حضرت علی علیه السلام. (همان: ۷۵)



۸. پرده خوانی و صورت خوانی

پرده خوانی یکی دیگر از نقل‌های مذهبی است که از جنبه‌های نمایشی تری برخوردار است و شاید بتوان گفت که این نقل مذهبی همراه با تصاویر، یکی از نمایشی‌ترین شکل‌های نقالی است که در میان نمایش‌های مذهبی بلافاصله پس از تعزیه جای دارد. (شهریاری، ۱۳۶۵: ۴۴)

۹. روضه‌خوانی

روضه‌خوانی شکل دیگری از نقالی مذهبی است که به داستان‌ها و حوادث کربلا و واقعه تَف می‌پردازد و از سوی روضه‌خوانان روی منبر یا در برابر جمع بیان می‌شود. (طالقانی، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

نقال و ویژگی‌های آن

نقال یکی از چهره‌های مهم و اصیل بازیگری در نمایش ایران است و برخی از واقعه‌خوانان از چیره‌دست‌ترین بازیگران‌اند؛ بازیگرانی متخصص در هنری که محتاج پختگی و دانستن فنون و شگردهاست. نقالان که در کار خود از نوعی آگاهی دقیق و خودآموخته از روان‌شناسی مردم و تسلط بر جمع و خودشان برخوردارند، هر یک در کاری متخصص هستند: حمزه‌خوانی، حمله‌خوانی، شاهنامه‌خوانی و... ایشان می‌دانند که کجای قصه برای مردم هیجان‌انگیزتر است و آن را چگونه بگویند تا بیشتر تماشاگر را هیجان‌زده کند یا به گریه بیندازند. تنها ابزار آنها در نمایشنامه، خودشان هستند. حرکات نقال با وجود سادگی، از کیفیتی نمایشی برخوردار است و به بهترین وجه مخاطب خود را با ماجرا درگیر می‌کند و او را به فضایی داستانی وارد می‌سازد. نقال کاری می‌کند که مردم شیفته حرکات و کلام و داستان‌های او می‌شوند و همواره آنها را در حالت اشتیاق و هیجان نگاه می‌دارد. او با تردستی خاص، سهراب‌کشی را به شب‌های بعد موکول می‌سازد و تماشاگر مشتاق در این شب‌ها در قهوه‌خانه غوغا می‌کند. آنها که برای این داستان سرودست می‌شکنند، هر جا که باشند هنگام غروب خود را به مجلس می‌رسانند تا هنگامی که گیسوان بلند سهراب به دست رستم می‌افتد و کاکل خون‌آلود و فرق شکافته‌اش به دست او قرار می‌گیرد و رستم خاک بر سر می‌ریزد و نوشدارو پس از مرگ سهراب می‌رسد، در قهوه‌خانه باشند. نقال در اوج

نقالی و جایگاه آن در نمایش‌های رادیویی ❖ ۱۸۹

هیجان، داستان را به پایان می‌برد و گروهی دیگر از نقال می‌خواهند که حرفش را پس بگیرد و پایان داستان را تغییر دهد و کاری کند که رستم، مهره تهمینه را در بازوبند سهراب بازشناسد. بسیاری گریه می‌کنند و برخی از قهوه‌خانه خارج می‌شوند تا خیر مرگ سهراب را نشنوند. (بیضایی، ۱۳۷۹: ۸۲-۸۱)

درباره لباس این نقالان می‌توان گفت که اگر نقال درویش بود، کسوت فقر و قلندری بر تن داشت یا اگر اهل تعزیه بود، رخت عزا می‌پوشید و در غیر این صورت کلاهخود و خفتان و درعی به همراه داشت. لحن صدای او همراه با رفتار قهرمانان و نقش‌آفرینان داستان، عوض می‌شد. (عنصری، ۱۳۶۶: ۴۵)

همه، گفتار نقال را با هیجان گوش می‌دهند و کوچک‌ترین حرکت و چرخش او را زیر نظر دارند. نقال به دور خود می‌چرخد، دست بر دست می‌ساید، محکم بر پیشانی یا زانوی خود می‌زند، مشت‌هایش را گره می‌کند، چشم‌هایش را در حدقه می‌چرخاند، زانو بر زمین می‌زند و اشک بر چشمان می‌آورد و با اندوه، از مرگ یلی نامدار سخن می‌گوید. این حرکات به حد کافی ساده می‌نماید، اما اگر از ظاهر نقالی بگذریم و به معنای واقعی حرکات دست یابیم، نقالی به نمایشی درباره زندگی مردم تبدیل می‌شود. حرکات نقالان با وجود سادگی، از کیفیت نمایشی برخوردار است. (همان: ۴۶)

هنر نقال در شناخت درست از کلام و چگونگی بیان آن است و این، مگر همان بازیگری نیست؟ نقال با به‌وجود آوردن وقفه‌هایی در بیان، آهنگ دادن به کلام، بالا و پایین بردن به موقع دست و سر، کش دادن مطلب، گاه نجوا کردن و بی‌فاصله فریاد کشیدن، گاه لرزاندن صدا و نیز عوض کردن صدا، بویژه کوفتن کف دست‌ها به هم و پا زدن بر زمین و همچنین معلق نگه‌داشتن واقعه در جایی حساس، تماشاگر را در هیجانی مطبوع نگه می‌دارد. علاوه بر این، نقال با آنچه از بازیگری و حرکات بیانی می‌داند و نیز با قرار دادن خود در

- موقعیت‌های حاذق‌ه‌مانان حسّ آنها را به خوبی منتقل می‌کند، در واقع برای تجسّم داستان خود نهایت توانایی را به کار می‌برد. (بیضایی، ۱۳۷۹: ۸۱)
- برخی از مشخصات و ویژگی‌های نَقال عبارت‌اند از:
- داشتن وجهه و اعتماد در بین مردم کوچه و بازار
 - دارا بودن حسّ تشخیص و درک و قدرت تجسّم و صاحب قریحه و ذوق
 - برخورداری از حافظه قوی و سرعت انتقال در ذکر کلام و انتقال از داستانی به داستانی دیگر بدون تکلف و گم‌شدگی
 - قدرت ضبط و ربط مطالب و گریز زدن به گوشه‌های مختلف از قصه‌های گوناگون
 - متّکی بودن بر بلاغت و فصاحت و آگاهی از فنّ بیان
 - اتکا به روان‌شناسی عامیانه به منظور شناخت روحیه‌ها و جلب نظر تپ‌های مختلف
 - دارا بودن استعداد بازیگری
 - داشتن صدای زنگ‌دار و نافذ و خوش
 - قابلیت نقل‌گویی و قدرت توصیف پرده‌ها
 - قدرت قصه‌خوانی و گردآوری افسانه‌ها و نقل به موقع و توجّه به اقتضای زمان و مکان و حوادث روزمره
 - موقع‌شناسی و توجّه به اوضاع و احوال
 - تپ‌شناسی و انعطاف‌پذیری در برابر شخصیت‌های متفاوت
 - ایجاد هیجان در مسیر واقعه
 - دارا بودن قدرت چابکی و حرکت
 - استفاده از لغات مأنوس
 - قدرت پیوستگی کلام منظوم و منثور

نقّالی و جایگاه آن در نمایش‌های رادیویی ❖ ۱۹۱

- بدیهه‌گویی و دارا بودن قدرت نقل فی‌البداهه مجالس پهلوانی و مذهبی
- افزودن شاخ و برگ و حواشی بر اصل داستان‌ها
- انتخاب موضوع مناسب و مناسب‌خوانی
- برانگیختن حسّ تحسین و اعجاب شنوندگان
- سخن گفتن از فضایل اخلاقی، گذشت و جوانمردی و عفو و اغماض و دلیری و پایداری قهرمانان
- بازگویی نتایج اخلاقی حکایات و گرایش‌های آموزشی
- ذم و نکوهش رذایل و تقلّب و جُبن و دو رویی
- التفات داشتن به مسائل جاری روزانه و افزودن آن به متن داستان
- شناخت بزنه‌های مناسب برای قطع کلام که در برخی موارد ناگزیر از آن بودند. (عنصری، ۱۳۶۶: ۴۷)

نقّالان برای اجرای نقّالی، از منابع نوشتاری مکتوب استفاده می‌کردند که طومار نام داشت. طومار، نسخه دست‌نویسی بود که به عنوان متن نقّالی، با بهره‌گیری از افسانه‌های مندرج در کتاب‌ها یا برگرفته از سینه معمران و مردم صاحب تجربه از سوی نقّالان خوانده می‌شد. طومار، دفتری محرمانه بود که معمولاً میان اهل فن - هنر نقّالی - ردّ و بدل می‌شد. این دفتر نسخه‌ای دست‌نویس از روی شاهنامه و افسانه‌های دیگر، نظیر سمک عیّار، اسکندرنامه و... بود که به خط و انشای خود نقّال (اغلب بدخط و پرغلط، امّا آفرینش‌گرانه) یا کسانی که سواد و قدرت خلاقیت لازم را برای این کار داشتند و بسیار پای نقل نقّالان نشسته بودند، نگارش می‌یافت. در این دفتر، داستان‌هایی که نقّالان باید در قهوه‌خانه‌ها می‌گفتند همراه با ریزه‌کاری‌ها، شرح و بسط‌ها، چاشنی‌ها و شاخ و برگ‌ها و قراردادهای تکیه کلام‌های نقّال آمده بود. (نجم، ۱۳۹۰: ۳۰۱) این نسخه‌های خطّی غالباً بدسلیقه و به خط آشفته و بسیار پرغلط به نظر می‌رسید که نقّالان متقدّم با همان سواد قلیل خویش نوشته

بودند. هرچند نمی‌توان این اظهار نظر را درباره کل نسخه‌های نقالی و طومار نقالان تعمیم داد. در بین این نسخه‌ها، طومارهایی که به خط و انشای نقالان معروف و وارد و کارآموده نوشته شده بود، اهمیت و اعتبار خاصی داشت و به بهای گرانی خرید و فروش می‌شد. اما نقالان عادی که متأسفانه گاهی از ذوق داستان‌پردازی محروم بودند ناگزیر از نسخه‌های دیگران رونویسی می‌کردند و خطای قلم و اندیشه را در تحریر این طومارها مرتکب می‌شدند.

نقالی در رادیو

امروزه واژه نقالی بیشتر شاهنامه‌خوانی را در ذهن‌ها متبادر می‌کند، در حالی که صورت‌های مختلفی از نقل وجود دارد که پیشتر به آنها اشاره کردیم، ولی شاهنامه از همه انواع نقل بیشتر مورد توافق قرار گرفته است. در رادیو هم هر جا صحبت از نقالی شده، نقل شاهنامه بیشتر مد نظر بوده است و استادان نقال هم که در برنامه‌های مختلف رادیویی نقل گفته‌اند، این نوع نقل را برگزیده‌اند. البته بنا به مناسبت، نقل‌های دیگری هم در رادیو اجرا شده است، مثلاً به مناسبت ولادت امام رضا علیه السلام نقل ضامن آهو یا به مناسبت ولادت حضرت علی علیه السلام منقبت‌خوانی صورت گرفته است، ولی تعداد این گونه نقل‌ها از انگشتان دست هم تجاوز نمی‌کند، حال آنکه جا دارد، به این گونه نقل‌ها هم پرداخته شود و مخاطبان رادیو با انواع نقل آشنایی پیدا کنند.

دنیای نمایش رادیویی دنیای زبان است. شخصیت‌های نمایش رادیویی برخلاف شخصیت‌های فیلم و تئاتر که حضور عینی، ملموس و پررنگی دارند تقریباً همگی وابسته به کلام هستند. کلام در رادیو شامل زبان و برهان و شور و هیجان می‌شود و کشف معنای نهفته، عمیق‌تر و ناخودآگاه تنها بر عهده بازیگر است. قدرت رادیو در کلام است و این کلام بر پایه منطق شکل می‌گیرد.

نقالی و جایگاه آن در نمایش‌های رادیویی ❖ ۱۹۳

رادیو از این نظر که تصویر ندارد با تلویزیون متفاوت است و داشتن تصویر که ویژگی مهم تلویزیون است، در واقع عیب مهم آن نیز به‌شمار می‌رود، زیرا راه تخیل را می‌گیرد و مخاطب را از تفکر و تعمیق بازمی‌دارد. فرآیند تخیل‌سازی در رادیو آنقدر مهم و اساسی است که برخی، آن را رسانه تخیل‌ساز می‌دانند و کار واقعی آن را بارورکننده تخیلات و رؤیاهای ذکر می‌کنند. تأثیر تخیل‌زایی رادیو بر مخاطبان آن چنان زیاد است که برخی برای اینکه به تخیلات مورد علاقه خود برسند، یا برنامه‌ای بتواند آنها را در تخیل فرو ببرد، ایستگاه رادیویی خاصی را انتخاب می‌کنند. اتفاقاً قدرت نفوذ و اقناع گویندگان رادیو و تفوق و برتری آنها بر گویندگان تلویزیون برخاسته از همین ویژگی رادیوست. آنها شخصیت خود را سوار بر امواج و کلمات می‌کنند و بر ذهن شنوندگان وارد می‌شوند. هر شنونده با تخیل خود بر حسب نوع صدا و چگونگی اجرا و دیگر عناصر برنامه، تصویری از گوینده یا مجری رادیو می‌سازد که همیشه همراه اوست. (خجسته، ۱۳۸۷: ۱۱)

نقل و نقالی در گذشته وظیفه یک رسانه را بر عهده داشت به همین جهت چیزهای بسیاری را مردم پای نقل یاد می‌گرفتند، اعم از جوانمردی، نوحه‌دوستی، وطن‌پرستی، کمک به زیر دست و کمک به هم‌نوع و ... بعضی‌ها ممکن بود برای انبساط خاطر و سرگرمی داستان مضحکی را نقل کنند ولی همان داستان هم در لابه‌لای خود پند و اندرز به همراه داشت. نقل اساساً بدون هدف و انگیزه انجام نمی‌شد و هنوز هم نمی‌شود.

جمع‌بندی

ما نقالی را نوعی نمایش تک‌نفره و واژه نمایش را بیشتر دیداری می‌دانیم تا شنیداری. شاید شنیدن نقالی رادیویی در ذهن ما تناقض ایجاد کند، اما باید گفت که نقالی نمایشی گفتاری است که حتی در حضور نیز بیشتر با تخیل

مخاطب سروکار دارد تا دیدن محض او و به وسیله گفتار نَقال خلق می‌شود و رادیو در ارائه این گفتار تخیلی، بهترین گزینه در بین دیگر رسانه‌هاست. قدرت تخیل در نَقالی و به ظهور رسیدن آن در رادیو از قابلیت‌های دراماتیک نَقالی محسوب می‌شود.

نَقال رادیویی باید به نمایش رادیویی آشنا باشد تا بتواند با بهره گرفتن از فنون نمایش رادیویی یک نقل نمایشی - رادیویی خوب ارائه دهد. او باید بداند که فقط صدای او شنیده می‌شود، پس باید با تغییر حالت دادن به صدای خود، شخصیت‌های داستان را به شنونده شناساند و برای شناساندن بهتر شخصیت‌های داستان، لازم است نام آنها را در ابتدای گفتارشان بر زبان بیاورد و نقش یک راوی را نیز در حین اجرای نَقالی ایفا کند.

طبیعی است اگر نَقال از لحن شیرینی برخوردار باشد و به چگونگی نمایش‌های رادیویی آگاهی و اشراف داشته باشد و اینکه بداند چه نقلی را انتخاب کند تا جنبه‌های شنیداری آن بیشتر باشد، مخاطب خود را جذب خواهد کرد.

منابع

الف) کتاب

۱. بلوکباشی، علی (۱۳۷۵) قهوه‌خانه‌های ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. بیضایی، بهرام (۱۳۷۹) نمایش در ایران، چ ۲، تهران: روشنگران.
۳. حنیف، محمد (۱۳۸۴) قصه‌گویی در رادیو و تلویزیون، تهران: سروش.
۴. خجسته، حسن (۱۳۸۷) درآمدی بر جامعه‌شناسی رادیو، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
۵. شهریاری، خسرو (۱۳۶۵) کتاب نمایش، تهران: امیر کبیر.
۶. طالقانی، سیدعلی (۱۳۸۱) رویکرد عوامانه به واقعه عاشورا، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
۷. عاشورپور، صادق (۱۳۸۹) نمایش‌های ایرانی، ج ۴، تهران: سوره مهر.
۸. عناصری، جابر (۱۳۶۶) نمایش و نیایش در ایران، تهران: واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
۹. کاشفی، ملاحسین (۱۳۵۰) فتوت‌نامه سلطانی، به کوشش محمدجعفر محجوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۰. نجم، سهیلا (۱۳۹۰) هنر نقالی در ایران، تهران: فرهنگستان هنر.

